

وضعیت علم سیاست در ایران اسلامی

در گفت‌وگو با:

دکتر علیرضا صدرا

قسمت اول: «دانش سیاسی در ایران اسلامی»

به کوشش: غلام‌حسین مقیمی

اشاره:

آنچه در ذیل می‌آید؛ حاصل گفت‌وگوی فصلنامه علوم سیاسی با جناب آقای دکتر صدرا در دو موضوع؛ ۱- سنت و مکتب دانش سیاسی اسلامی - ایرانی ۲- دانش سیاسی در ایران، می‌باشد که با اجازه استاد در این شماره قسمت دوم آن تقدیم خوانندگان گرامی می‌گردد.

جناب استاد! با تشکر از حضرت عالی که دعوت فصلنامه را قبول فرمودید، به عنوان

اولین سوال، بفرمایید: «پیشینه علم سیاست در ایران» چگونه بوده است؟

دکتر صدرا: اندیشه و علم سیاست در ایران که می‌توان در مورد آن ادعای سنت و مکتب علم سیاست ایرانی نمود، دارای پیشینگی بسیار دیرینه است. پیشتازی ایران و ایرانیان در تأسیس نهادهای عظیم مدنی در هماره تاریخ؛ یعنی از دوران پیشاتاریخ تا دغدغه‌ها و داعیه‌های کنونی، خود، مبین باروری این فرآیند و حاصل خیزی زمین و ضمیر این دیار و اندیشه سازان سیاسی آن می‌باشد. و همین دیرینگی و سیر فراگیر، و فراگستر دلیلی روشن بر زاینده‌گی، پابندگی و پویندگی دانش سیاسی و کاربری و نقش سازندگی آن در سرشت و سرنوشت ملی این کشور است؛ کارکردی که علی‌رغم فراز و فرودهای فراوان هیچ‌گاه چراغ آن برای همیشه خاموش نگردیده است؛ در عین این که، چه بسا استبداد ریشه دار و کهن داخلی و اخیراً عقب ماندگی سیاسی و متقابلاً پیشرفت و سلطه خارجی، بسان بدترین ناهنجاری یا ام‌الفساد و ریشه غالب ناهنجاری‌های دیگر موانع زیادی بر سر راه شکوفایی در خور علم سیاست در ایران ایجاد نموده‌اند. این مسأله به گونه‌ای است. که علم سیاست به تناسب سایر حوزه‌های علمی به ویژه حکمت و فلسفه، رشد شایسته‌ای را جز در برخی مقاطع و به ویژه در دوره اسلامی از فارابی تا خواجه نصیر، نتوانسته است داشته باشد؛ هر چند اندیشه‌های علم سیاست در سخت‌ترین دوران‌های اختناق با استتار در قالب یا در ضمن سایر علوم و فنون ارایه می‌شد؛ از قبیل: فلسفه عمومی، کلام، آراء یا ملل و نحلل و حتی منطق، اخلاق، تفسیر، تاریخ، و نیز ادبیات تا عرفان نظری و عملی و مانند اینها، اینها فرای بسیاری آثار بوده که به صورت شفاف‌تری در زمینه سیرت، صورت، آیین و دستورهای سیاسی، مملکت داری، وزارت، شهریاری و اصول، مبانی و آداب مربوطه و نگرش‌ها و گرایش‌های سیاسی و نیز رویکردها و رهیافت‌ها و سرانجام راهبردهای آنها، گاه تفصیل و تا سرحد جزئیات پرداخته شده است. انبوه کثیر آثار و آرای سیاسی موجود در این زمینه‌ها و به زبان‌های مختلف علمی، سیاسی جدی و حتی در شکل هزل، مطایبه و لطیفه یا شوخی‌های حکیمانه و آموزنده از قبیل آثار و نوشتارهای سیاسی عبید زاکانی و مطایبه سیاسی و غالباً نقادانه حکیمان - دانشمند ادیبی چون سعدی، خود برترین گواه قدرت و گسترده‌گی

این گرایش سیاسی و علمی سیاسی می‌باشند.

اگر ممکن است به زیرساختها، ریشه‌ها و ماهیت علم سیاست در ایران نیز اشاره

بفرمایید؟

دکتر صدرا: به منظور بررسی ریشه‌ای زیر ساخت‌های کنونی علم سیاست در ایران، لازم است هر چه بیشتر به ماهیت، حقیقت و واقعیت این علم و سیر تحولات آن - هر چند به صورت اجمال - در گذشته و در عین حال، به تحلیل، پیش‌بینی و پی‌ریزی فرآیند شکل‌گیری علم سیاست نوپا و تحول و تأسیس آن در ایران اسلامی، پرداخت. این بررسی و پردازش نیز لازم است در دو ناحیه انجام پذیرد: یکی، ناحیه سیاست و سیاسی به مثابه موضوع این علم و نیز دیگری، ناحیه علم و علمی به عنوان علم این موضوع؛ یعنی: سیاست و سیاسی. سیاست، خود از دیر پاترین و در عین حال فراگیرترین پدیده‌های فردی، جمعی و اجتماعی زندگی بشر بوده و می‌باشد. سیاست را می‌توان مترادف و بلکه عین زندگی و تدبیر یا سامان دهی و راهبرد آن دانست؛ خواه در گستره عمومی و به اصطلاح طبیعی، فردی / خانوادگی و حتی گروهی؛ خواه در گستره مدنی و در برد کوچک فروملی، در برد میانی، ملی و یا فراملی در برد بزرگ و بین‌المللی تا جهانی. گستره‌ها و بردهایی که دانشمندان سیاسی اسلامی از آنها تعبیر به فرد انسان مدنی، جماعت‌های مدنی، اجتماع مدنی کوچک، متوسط یا امتی عظیم می‌نمایند. مبدأ این پدیده نیز سیاست‌گرایی فطری یا تکوینی - طبیعی انسان و به اصطلاح، انسان سیاسی است.

سیاست‌گرایی نیز اعم از سیاست‌گذاری، سیاست‌مداری و سیاست‌پذیری نوع انسان؛ یعنی سامان دهی و سامان‌گیری و راهبرد نوعی. نوع انسان در جهت تأمین نیازها و دست‌یابی به مطلوبات خویش می‌باشد. این به نوبه خویش از خصلت‌تدبیری انسان بر می‌خیزد؛ یعنی ناشی از ویژگی هدف‌گیری، نظام‌گرایی و قانون‌گرایی، پیش، حین و پس از اجتماع‌گرایی انسان و فرای آن می‌باشد. این نیز از دو نیروی لازم و ملزوم عقل یا قوه شناخت یعنی آگاهی و خود آگاهی انسان و نیز اراده یا اختیار؛ یعنی خواست آزادی و یا آزادی خواست او سرچشمه می‌گیرد.

اینها منابع، نیروها و فرآیندهایی هستند که در نظریه جامع علم سیاست اندیشه

پردازان سنت اسلامی / ایرانی در یک سازواری کامل و متعامل و پیش‌رو، اولاً، مبدأ عینی و عملی پدیده‌های سیاسی محسوب شده که از آنها تعبیر به مبادی سیاسی می‌گردد؛ ثانیاً، منشاء ذهنی / فکری سیاست و هم منبع علمی / نظری علم سیاست و در عین حال بنیاد علم و اندیشه سیاسی و نیز برتری ملاک سنجش و ارزش‌یابی علمی سیاست می‌باشند.

بنابراین، سیاست، پدیده‌ای دیرپا از پیشا تاریخ نویسا و حتی نانویسا و از پگاه زمان زیست بشر بوده و بسان غایی‌ترین و فراگیرترین پدیدار، فراگیر تمامی وجوه زندگی آدمی می‌باشد. فرآیند و بلکه فرابردی تدبیری که هم زمینه ساز و هم اساس و هم مبدأ و هم چه بسا، غایت و هدف نهایی فرهنگ و تمدن و هر فرهنگ سازی و تمدن‌پردازی بوده و خواهد بود.

دانش سیاست، دانش این چنین پدیده ریشه دار و فراگستر تاریخ زندگی بشر محسوب می‌شود. بنابراین، اگر علم سیاست مسبوق بر خود پدیده سیاست نبوده است از حیث زمانی، همزاد سیاست بوده است و حداقل می‌توان ادعا نمود که کاشت و حتی پیدایی بذر دانش سیاسی و بالندگی آن، تأخیر تاریخی چندانی با آغاز فرآیند سیاست و به ویژه شکل‌گیری نخستین نهال‌ها و نهادهای سیاسی و هسته بستن آنها نداشته و حتی چه بسا نمی‌توانسته داشته باشد؛ بلکه می‌توان اذعان کرد که دانش و اندیشه سیاسی، اگر چه از حیث زمانی و تحقق عینی، معاصر یا متأخر از پدیده سیاست بوده؛ لکن از حیث ذاتی، قطعاً مقدم بر عینیت سیاست بوده و بایستی باشد. دیرینه‌شناسی و باستان‌شناسی سیاسی و علمی سیاسی، یکی از اهم ضروریات؛ به ویژه برای ما ایرانیان بوده که به مراتب بیش از باستان‌شناسی مادی و معماری، می‌تواند به روشنی ریشه‌های هویت ملی / دینی ماکمک شایانی نماید. شناختی که بدون دست‌یابی به اعماق و جوانب گوناگون آن، هرگونه پی‌ریزی سیاست و علم سیاست نوین ایرانی / اسلامی و بنیاد فرهنگ و تمدن جدید، در جهان معاصر و عصر حاضر و پیش‌روی ما، نارسا و حتی ناممکن می‌باشد.

منابع علم سیاست بدین معنا، تنها خط‌نگاشته‌های روی لوحه‌ها و اشیای گلی، سفالینه‌ها و سنگ‌ها یا صفحه‌های کاغذی و با حروف الفبایی یعنی آثار مخطوط و مکتوب سیاسی و یا نوشتارهای تاریخی و یا ضمن و حتی عین سایر منابع علمی

نمی‌باشند؛ بلکه هر گونه آثار صناعی اعم از: ابزار، تجهیزات و ماشین آلات، تأسیسات ساختمان‌ها، و معماری‌ها و شهر سازی‌ها و حتی موقعیت‌ها و مناسبات منطقه‌ای و خود اشیای کلی، سفالینه‌ها، سنگ تراشیده‌ها و هر گونه اشیای دیگر، می‌توانند منابع علمی سیاسی در خوری باشند. پدیده‌هایی که با مطالعه آنها می‌توان به کار، کار آفرینی، کارآیی نیروهای کار، کار آمدی روابط، سازمان‌های کار و قوانین کار مربوطه پی‌برد و از ورای آنها می‌توان به آفرینش، منش‌ها، روش‌ها، خصلت‌ها و خوی‌ها یا اخلاق و بودها و نگرش‌های سیاسی و نیز به روابط و رفتار و سنت‌ها و گرایش‌های سیاسی؛ یعنی نمودها پی‌برد. و بدین ترتیب، می‌توان از طرفی، غایات و مطلوبات و از طرفی دیگر بنیادهای مدنی و سیاسی آنها و آفرینندگان آنها و بر این اساس، راهبردهای سیاسی، نهادها و سازمان‌های سیاسی و حتی به نظام سیاسی موجود، مطلوب و ممکن آنها دست یافت. کاری که شروع آن، امروز هم دیر است تا چه برسد به فردا. یعنی باز بینی و حتی باز سازی آزمایشگاهی پیدایی و سیر تحولات تاریخ، فرهنگ و تمدن بانگامی سیاسی و بلکه در حقیقت بازآوری تاریخ و تمدن سیاسی بشری، اسلامی و ایرانی. تنها در این صورت است که ذهن و اندیشه سیاسی از این گسیختگی با ارتباطات تعاملی با عین و عمل سیاسی رهاگشته و این دو در یک فرآیند و بلکه فرابر، زنده، واقعی و قابل مطالعه و ارزیابی می‌گردند.

حکیم سیاسی ابو نصر فارابی، بنیان‌گذار علم و فلسفه سیاسی یا مدنی در تاریخ و جهان اسلامی و برجسته‌ترین شخصیت شاخص در این زمینه، معتقد است که خاستگاه تاریخی / جغرافیایی این علم، شرق و منطقه بین‌النهرین و به ویژه از زمان کلدانیان، که به تصریح وی همان اهل عراق‌اند، می‌باشد؛ هر چند به طور دقیق‌تر، می‌توان ادعا نمود که آوان، عیلام و ایران با مرکزیت ناحیه جنوب غربی آن؛ یعنی خوزستان کنونی و به ویژه شمال آن، منطقه کانونی و منطقه محوری و قلبی پیدایی و انتشار پدیده سیاست و اندیشه و علم سیاست بوده است؛ کما این که خوزستان، همواره در زمره منطقه سیاست خیز و فرهنگ و تمدن پرداز بین‌النهرین و ناحیه یا زایده شمالی آن محسوب می‌گشته است. وی معتقد است که این سنت فکری / علمی آن‌گاه، به مصر سیر و سرایت نموده و از آن‌جا به یونان و سپس به روم رسیده است. فرآیندی که مدعی است در عصر وی، این

مواریث علمی و سیاسی که در عین حال از حیث انباشتگی، به میزان قابل توجهی رشد داشته است، از زبان یونانی و سریانی به عربی برگردانده شده و به دست مسلمانان به عنوان تنها پرچم داران علم و نظریه پردازان عمومی و سیاسی و فرهنگ و تمدن سازان آن دوران رسیده است.

مهمترین تحولات علم سیاست در ایران چیست؟

دکتر صدرا: علم سیاست به معنای اعم، از جمله در زمینه فقه و حقوق سیاسی و فن یا مدیریت سیاسی و به ویژه فلسفه سیاسی و نیز بعضی مباحث عمده انسان‌شناسی سیاسی و روان‌شناسی، جامعه‌شناسی سیاسی، جغرافیای سیاسی و به خصوص اقتصاد سیاسی، در ایران سابقه‌ای دیرینه و گسترده‌ای وسیع دارد. آن‌چنان‌که خود سیاست نیز در این سرزمین و در مردم آن، بسیار کهن و ریشه دار بوده است؛ هر چند هم سیاست و هم علم آن، دارای فراز و فرودها و سیر تحولات گوناگونی بوده است. آشنایی ایرانیان، از جمله دانشمندان اسلامی با علم و اندیشه‌های سیاسی جدید را که نوعاً دست آورد غرب و غربیان بود، بیشتر به حدود یک و نیم قرن گذشته بازگشت و اوج آن، در دوره انقلاب مشروطیت می‌باشد.

با تشکیل رشته سیاسی در مدرسه دارالفنون، در قریب به یکصد سال قبل و تأسیس مدرسه علوم سیاسی و به ویژه با انتقال آن به دانشگاه تازه تأسیس تهران در نخستین سال‌های قرن حاضر و تشکیل دانشکده حقوق و علوم سیاسی، نخستین حرکت در جهت رسمیت و انسجام این رشته علمی در کشور به حساب می‌آید. راه اندازی رشته علم سیاست در سایر دانشگاه‌ها و حتی تأسیس برخی دانشکده‌ها و مراکز آموزش عالی در رشته‌های مختلف این علم؛ از جمله علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و حتی حقوق بین‌الملل، گام‌های موثری در این راستا بوده است. قدر مسلم این‌که، این رشته علمی و این مراکز علمی، تأثیرات مستقیم و غیر مستقیمی در سرنوشت و سرشت کشور و حتی در جریانات و تحولات سیاسی کشور ایفا نموده‌اند؛ لیکن پیدایی و پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران، سبب سیاست‌گرایی فراگیری در میان اقشار مختلف مردم گردید. این امر، به نوبه خویش، مسبب استقبال بسیار زیادی نسبت به این رشته و آموزش‌ها و پژوهش‌های سیاسی گردید. این استقبال، باعث گسترش هر چند

کمی این رشته علمی در کشور گردید؛ به صورتی که علاوه بر گسترش روز افزون رشته‌ها و دانشکده‌های دولتی و حتی غیر دولتی در سطوح مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا، حتی مجامع حوزوی نیز به راه اندازی این دروس در دوره‌ها، برنامه‌ها و حتی مراکز آموزشی و پژوهشی علمی سیاسی پرداختند که دانشگاه باقرالعلوم (ع) و دانشگاه امام صادق (ع)، نمونه‌های برجسته‌ای از این تحولات هستند. اما علی‌رغم توسعه شدید و حتی جحش کمی علم سیاست در کشور و در عین برخی تغییرات هر چند جزئی کیفی در این رشته علمی؛ از قبیل گنجانیدن برخی دروس جدیدتر و مناسب‌تر، و علی‌رغم بسیاری دغدغه‌ها و داعیه‌ها و نیز ضرورت و امکان تحول ماهوی یا جوهری و حقیقی علم سیاست در ایران، با آن همه دیرینگی، زاینده‌گی، پویندگی، و پایداری در عرصه علمی و عملی سیاسی، متأسفانه توفیقات چندانی به دست نیامده است. حتی می‌توان ادعا نمود که کوشش‌های جدی و حداقلی منتجی تاکنون به دست نیامده است؛ هر چند جان‌مایه و جوانه‌های زیادی را در عرصه پژوهشی و آموزشی علم سیاست ملاحظه می‌شوند و جوشش‌ها و چشمه‌های جاری را در این علم، در میهن اسلامیمان به‌ویژه توسط نیروها و نهادهای نواندیش و خودباور می‌بینیم که در صورت همگرایی، هماهنگی و همکاری و در نهایت به هم پیوستگی اینها، آینده درخشانی را در علم سیاست نوید می‌دهد.

به نظر شما، هم اکنون علم سیاست در ایران چه وضعیتی دارد؟ مهم‌ترین ویژگی آن

چیست؟

دکتر صدرا: اهم ویژگی علم سیاست غالب در ایران امروز عبارتند از:

- ۱- غیر بومی؛ یعنی عدم تناسب با نیازها و قابلیت‌های این کشور، این نظام و این ملت.
- ۲- غیر مولد بودن؛ یعنی عدم زاینده‌گی و عدم پویندگی و بالتبع، عدم پایداری این علم و وارداتی بودن، مصرفی بودن، ظاهری بودن و موجهی بودن این علم به تناسب نوسانات و امواج بیرونی در این رشته و به خصوص مدگرایی، به جای مدل‌گرایی و نوگرایی، تقلید و تبعیت محض به جای نقادی و شخصیت پرستی به جای نظریه و اندیشه‌گرایی، آن هم با ادعاها و اصطلاحات علمی نمایانه و شبه علمی و چه بسا ضد علمی.
- ۳- غیر کاربردی بودن علم سیاست - با اوصاف مذکور - در تبیین معضلات سیاسی

کشور و تعریف آنها به صورت مسائل علمی سیاسی و پاسخ‌گویی متناسب و ارائه رهیافت‌ها و نظریه‌های راه‌گشا در حل، در تحلیل و پیش‌بینی اوضاع و مسایل سیاسی کشور، از جمله عدم کارآیی این رشته در ارائه راه‌کارهای بایسته در سامان‌دهی سیاسی کشور و به‌ویژه در توسعه سیاسی کشور و نیز در سیاست‌گذاری و مدیریت سیاسی کشور. با این توصیف، آیا می‌توان وضعیت علم سیاست را در ایران بحرانی نامید؟

دکتر صدرا: یقیناً. علم سیاست، مشکلات جدی کمی و به‌خصوص کیفی و بالاخص جوهری داشته و همچنان دارد. لکن با عنایت به این‌که علی‌رغم پیشینگی عملی و علمی سیاسی، ایران طی چندین قرن اخیر از گردونه علمی و عملی سیاسی جهان تا حد حذف، به حاشیه برده یا رانده شده است و به تناسب از دست رفتن خصلت پایدار زاینده‌گی علم و اندیشه سیاسی ایران میزان تاثیرگذاری خویش را در جهان و جریان‌ات سیاسی و علمی سیاسی جهانی و حتی منطقه از دست داده است. طی این دوران، اصلاً در عرصه علمی سیاسی، فعالیت و فعالیت نداشتن است تا اکنون دچار بحران شده باشد. بحران برای کشوری مطرح است که در وسط یا در مرکز معرکه علمی بوده باشد؛ اما ایران قرون اخیر، فاصله زیادی با کانون‌های زاینده علم و اندیشه سیاسی داشته است.

اما در هر صورت همان‌گونه که اشاره شد، علم سیاست در ایران در عین حال، دارای یک سری اشکالات اساسی درونی و مشکلات عمده بیرونی، است. اهم آنها هم، ناکارآمدی علم سیاست و عدم روزآمدی آن در ایران معاصر می‌باشد؛ مواردی که ناشی از غیر بومی، غیر مولد و غیر کاربردی بودن آن است.

وارداتی بودن، ظاهری بودن، جزئی و جانبی بودن، نمودهای هنجاری نشدگی این علم در ایران و عدم نهادینگی، عدم تناسب، عدم ارتباط و عدم پاسخ‌گویی به نیازهای امروزین و پیش‌روی کشور، نظام، نهادها و بخش‌ها، مناطق و عدم ارائه راه‌کارها و راه‌حل‌های مناسب و راه‌گشا برای معضلات سیاسی کشور، ملت و دولت، از مشکلات علم سیاست می‌باشد. همچنین عدم اطلاع متقابل تولید یا تبدیل‌کننده دانش سیاسی و مصرف‌کننده و کاربرنده آن؛ یعنی ملت، دولت، دولت‌مردان، سیاست‌گزاران، سیاستمداران، تصمیم‌گیران و حتی تصمیم‌سازان و برنامه‌ریزان و سرانجام کارگزاران و عوامل اجرایی سیاسی و از آن بدتر، عدم اعتماد و حتی عدم اعتنای متقابل نیز از دیگر

مشکلات ریشه‌ای این رشته علمی در حال حاضر می‌باشد. ادبی و خطابی بودن بیشتر این رشته و حد اکثر کتابخانه‌ای بودن دروس، دوره‌ها و حتی تحقیقات و برنامه‌های آن و میدانی و عملیاتی نبودن آنها نیز مزید بر علت هستند.

حال این که علم سیاست، حکمت بوده و علم و فن مهندسی و معماری کشور و به تعبیر فارابی؛ «بنائون العلوم» و یا به تعبیر خواجه نصیر؛ عالم سیاسی / طیب عالم است. علم سیاست؛ علم پزشکی کشور، نظام سیاسی، دولت و کشور نیز حکومت و حاکمیت و قدرت و امنیت ملی است؛ نه صرفاً سخن و حتی سخنوری، تا چه رسد به جدل و به‌ویژه زبان بازی و آن‌هم سفسطه یا مغالطه.

بنابراین، به طور کلی، کار آمدی و روز آمدی برترین نیاز متقابل علم سیاست کشور در عصر حاضر می‌باشد.

چشمه‌ای از آب از درون خانه به زان جویی است که آن زیرون آید (مولانا)

تازه، این در صورتی است که جریان دانش سیاسی که از بیرون می‌آید، قوی، سالم و کارگشا باشد. اگر این‌گونه نباشد، که به طریق اولی بایستی در تولید دانش سیاسی اسلامی ایرانی امروز کوشید. دانش سیاسی نه تنها به معنای آگاهی‌های سیاسی بلکه؛ به مراتب بیش و حتی بیش از آن، دانش سیاسی به معنای دانایی سیاسی و خود آگاهی سیاسی است.

راهی روشن، سترگ و در عین حال کاملاً دست یافتنی که پیش روی داریم.

علل و عوامل این وضعیت را در چه می‌بینید؟

دکتر صدرا: علت اصلی این اشکالات درونی و مشکلات سر راه دانش سیاسی به‌ویژه به معنای دانایی و خود آگاهی سیاسی و حتی به معنای آگاهی سیاسی و اطلاع یا مطالعات سیاسی، باز ماندن ایران از تمدن و فرهنگ اصیل خویش و از دست دادن خصلت ذاتی زاینده‌گی، پویندگی و پابندگی علمی / فرهنگی / تمدنی خویش است. عقب ماندگی یا عقب راندگی، سبب بسیاری از ناهنجاری‌ها می‌گردد؛ در رأس آن، از دست دادن باور به خود و قابلیت‌های خودی و خود باوری و قرار گرفتن تحت تأثیر قوم پیش‌رو و به‌ویژه غالب تا حد مسحوریت می‌باشد. همین وضعیت به نوبه خویش، سبب جهل و عدم

آگاهی نسبت به خود و گذشته، سنت‌ها و موارث علمی و فرهنگی شده و این نیز به نوبه خویش، بر خودناباوری می‌افزاید تا جایی که به انکار گذشته و نفی و یا نادیده انگاشتن هر آن چه خودی است، می‌انجامد؛ به گونه‌ای که اگر هم گاه به برخی دست‌مایه‌های خودی و یا موارث کارآمد گذشته برسد سعی در توجیه یا انکار آنها می‌نماید. و به جای نقادی خود؛ یعنی بررسی نقاط قوت و ضعف و پیشنهاد اصلاحی و تکمیلی، به نفی خود و اثبات غیر و غالب و تبعیت محض و تقلید کورکورانه و وارداتی می‌پردازد. و حتی نقاط ضعف یا منفی آنها را توجیه نموده و مثبت می‌انگارد.

چشم بدگوهر که برکنده باد عیب نماید هنرش در نظر
ار هنری دارد و هفتاد عیب دوست نبیند مگر آن یک هنر

بنابراین، علت اصلی وضعیت ناهنجار علم سیاست در حال حاضر، بازماندگی ایران از زاینده‌گی علمی / فرهنگی / تمدنی بوده و عواملی اصلی آن، یکی، ازدست دادن خود باوری و دیگری، عدم آگاهی به پیشینه و قابلیت علمی / سیاسی خودی است. سوم، تن آسایی علمی و عدم تعقل و هموار ساختن زحمت تحقیق، تفحص و تدبر و آسان‌طلبی و حاضر آماده پذیری است.

به نظر شما علم سیاست ایرانی چه ویژگی‌هایی دارد و تا چه اندازه دستیابی به آن

امکان پذیر است؟

دکتر صدرا: اولاً، کاملاً امکان پذیر است؛ اما یکی، تدریجی بوده و دیگری این که، هم اراده استوار و هم تدبیر و آگاهی نیروها و نهادهای علمی / عملی سیاسی کشور را می‌طلبد. ثانیاً، اهم ویژگی‌های سنت و مکتب دانش سیاسی اسلامی / ایران؛ کل‌نگری، منظومه‌گرایی و غایت‌نگری می‌باشد. بنابراین، این سنت دانش سیاسی بنیادین / غایی و فراگیر / سازوار را ایجاد می‌نماید. دانش و سنتی که در مقایسه با نگرش تجزیه‌گرایی و جزء‌گرایی علم سیاست طبیعی رایج و غالب و بحران‌ها تا در بن بست آن، تنها مکتب دانش سیاسی جایگزین در عصر حاضر و جهان پیش روی ما است. این ویژگی‌ها به اعتباری دیگر عبارتند از:

۱- ارتباط و ابتنای گرایش‌های مختلف فلسفی سیاسی / علمی سیاسی و فقهی سیاسی / فنی سیاسی یا علمی حقیقی سیاسی / عملی عینی (واقعی) سیاسی و نیز علمی حقوقی

سیاسی علمی عملی و اجرایی سیاسی.

۲- نگرش حقیقی و یقینی دانش سیاسی و نفی نگرش پنداری طبیعی / توهمی در سیاست و دانش سیاسی رایج و غالب کنونی این سنت دانش سیاسی؛ یکی، تمامی واقعیت پدیده‌های سیاسی اعم از نمودها، بودها، غایت‌ها و نیز بنیادها و راهبردها را به صورت توأمان و در یک نظام و فرابرسازوار مورد توجه، مطالعه و بررسی قرار می‌دهند. و به صورت نمودها یا بودها و یا غایت‌ها به تنهایی و مجزا از هم بسنده می‌کنند. دیگری پدیده‌های سیاسی را در فرابردی دو سویه برتر / فروتر یا فاضله / رذیله مورد مطالعه قرار می‌دهد. بر این اساس، نه پدیده سیاسی، پدیده‌ای طبیعی بوده و نه علم سیاست، علمی طبیعی است؛ آن هم بامنابع و روش‌های علوم محض و طبیعی. اینها اهم و ویژگی‌ها و بنیاد برجستگی دانش سیاسی سنت اسلامی / ایرانی محسوب می‌شوند.

چه راه‌هایی را به منظور ارتقا و پیشرفت علم سیاست در ایران پیشنهاد می‌کنید؟
دکتر صدرا: اول - آگاهی و اشراف به آخرین و جدیدترین وضعیت علم سیاست در جهان و نقادی آگاهانه و عالمانه دانش سیاسی مدرن، رایج و غالب.
 دوم - آگاهی و نقد درست خود و خودی و داشته‌ها، ذخایر، پیشینه سیاسی علمی و خصلت‌ها و قایلیت‌های خودی.
 سوم - خویش‌اندیش و خوش‌اندیش و خودباوری و ایمان و اعتماد به توانمندی‌های دانش پژوهان و دانشمندان.
 چهارم - نوگرایی اصیل و خود آگاهانه.
 پنجم - همگرایی و همکاری متقابل نیروها و نهادهای علمی / عملی سیاسی و ایجاد ارتباط، اطلاع‌رسانی و حسن اعتماد طرفین.
 ششم - تشکیل و سازمان‌دهی حلقه‌های علمی / فکری سیاسی، بسان کانون‌ها و کوره‌های اندیشه سیاسی و نظریه‌پردازی و رواج، ترویج و آزمون و کاربری آنها.
 هفتم - تداوم توسعه کمی و کیفی و نیز تعالی جوهری این رشته و دانشگاه‌ها و درس و دوره‌های مربوطه و تأسیس پژوهشگاه‌هایی در خور و از جمله فرهنگستان علوم سیاسی و دایرة‌المعارف دانش سیاسی اسلامی / ایرانی و فرهنگ‌ها و مجامع علمی

سیاسی مربوطه و گوناگون.

آیا می‌توان چارچوب‌های نظری خاصی را از غرب اتخاذ کرد که قابلیت تبیین تحولات سیاسی ایران را داشته باشد و اساساً چنین چارچوب‌هایی را می‌توان به وجود آورد؟

دکتر صدرا: به هیچ وجه، چرا که هر نظام علمی؛ یکی، دارای اجزا و عناصر و به اصطلاح، داده‌ها و موارد علمی بوده و دیگری، دارای چارچوب اعم از بنیان یا اساس نظری و دیگری ساختار علمی می‌باشد؛ همچون یک ساختمان.

لازمه نوسازی و بهینه‌سازی و بومی‌سازی و در نتیجه روز آمدی و کار آمدی هر دانشی؛ به ویژه دانش سیاسی که ارتباط تنگاتنگ و بلکه ذاتی با خاستگاه و زایشگاه خویش دارد، این است که چارچوب یعنی بنیان نظری و ساختار علمی آن، کاملاً متناسب با شرایط و مقتضیات فرهنگی / تاریخی و حتی طبیعی / اقتصادی همان ملت و کشور باشد. به ویژه در زمانی که با برخوردی انقلابی، در پی نقادی و بلکه نفی یک نگرش نارسا و یا حتی نادرست سیاسی و دانش سیاسی رایج و غالب باشند؛ به ویژه این که خود، دارای چارچوب نظری متناسب، کار آمد و روز آمد هستند. در این صورت، یافته‌های علمی سیاسی سایر ملل و مناطق و نگرش‌ها، صرفاً پس از نقادی و بازسازی و بهسازی، تنها می‌توانند بسان داده و حتی مواد خام، اولیه و نیمه پرورده، بر اساس چارچوب نظری خودی که قبلاً اشاره شد، وارد شده و به کار گرفته شوند.

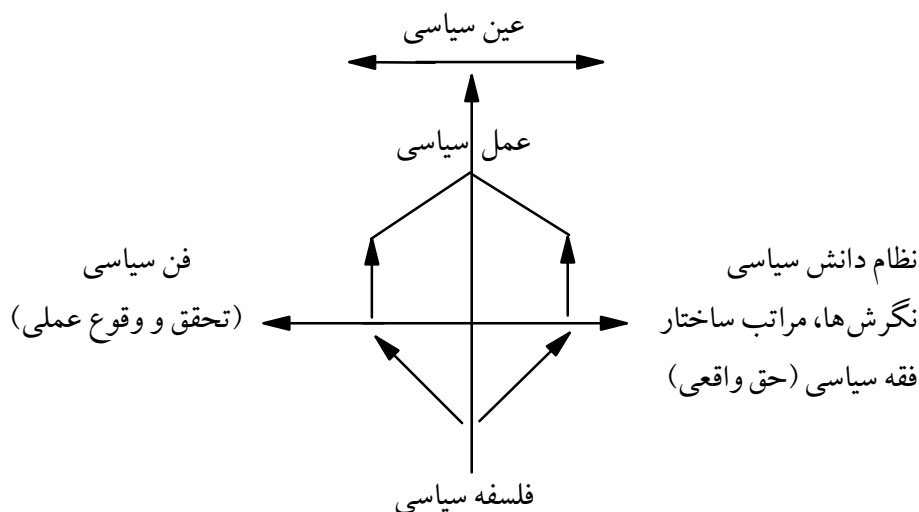
این چنین چارچوب‌هایی را نه تنها می‌توان به وجود آورد؛ بلکه چارچوب دانش سیاسی اسلامی / ایرانی به گونه‌ای که قبلاً اصول و مبانی ارکان و اساس آن را و ویژگی‌ها و برجستگی‌های مربوطه را ارایه نمودیم، وجود دارد و تنها نیاز به باز آوری، بازسازی و کاربری دارد. البته هر گونه تفصیل در مورد این دانش، سنت / مکتب و چارچوبه نظری یعنی بنیان و ساختار دانش سیاسی اسلامی / ایرانی و اهم موضوعات، مسائل، مباحث و منابع و روش‌های آن، بیشتر راه گشا خواهد بود که طی مباحث مستقل بایستی ارائه گردد. امید که همگی در این مسیر توفیق یابیم، انشالله.

آیا پدیده سیاست تنها بعد علمی دارد؟ آیا می‌توان نگرش‌های فلسفی، کلامی و

حقوقی را نیز اضافه کرد؟

دکتر صدرا: یکی از اساسی‌ترین آسیب‌پذیری‌های دانش سیاسی رایج و غالب غربی معاصر، قطع ارتباط خود با بنیادهای نظری و به‌ویژه فلسفی سیاسی و عمومی و نادیده انگاشتن و حتی برخی نفی و نهمی یا منفی تلقی کردن آن است. کما این‌که، یکی از اصولی‌ترین کاستی‌ها و نارسایی‌های دانش سیاسی جدید تاکنون، عدم تبیین و توجیه صحیح ارتباط و تبادل یا تعامل حوزه‌های مختلف علمی سیاسی مربوطه و یا نگرش‌های گوناگون دانش سیاسی از جمله حقوقی می‌باشد؛ آسیب‌پذیری و نارسایی که رفع آن، یکی از اهم ضروریات فلسفه علم سیاسی و نیز دانش سیاسی معاصر است. موضوعاتی که وجود آنها به شدت مورد انتقاد بوده و رفع آن، مورد تقاضا و انتظار می‌باشد. در سنت دانش سیاسی ایرانی / اسلامی، دانش سیاسی متشکل از نگرش‌های عمده اصلی فلسفی سیاسی، علمی سیاسی، حقوق سیاسی و حتی عملی / اجرایی سیاسی می‌باشد. در نظر به دانش سیاسی این حوزه، این نگرش‌های چهارگانه با کلیه زیر بخش‌های خود، اجزا و مراتب مختلف یا زیر مجموعه نظام واحد دانش سیاسی محسوب می‌گردند.

بنابراین، علاوه بر وجود و ضرورت این نگرش‌ها، ارتباط، تبادل و تعامل آنها و نیز سازمان جمعی آنها، بسان اساس نظام واحد دانش سیاسی حائز کمال اهمیت می‌باشند؛ نظام و فرآیندی تعاملی تکاملی علمی سیاسی که می‌توان آن را به گونه زیر نمودار ساخت:



درباره محتوای کنونی آموزشی و علمی علوم سیاسی چه نظری دارید؟

دکتر صدرا: هر چند دغدغه‌ها و داعیه‌های فراوانی در جهت بهینه سازی و بومی سازی رشته علوم سیاسی و کار آمد و روز آمد نمودن این علم به عمل آمده و تلاش‌های چندی نیز در جهت ارتقای کمی / کیفی آموزشی این دانش نیز به انجام رسیده است؛ لیکن علی‌رغم نیاز و احساس نیاز روز افزون آموزشی / پژوهشی و اطلاع رسانی به این رشته و علی‌رغم توسعه کمی از حیث راه اندازی مراکز آموزشی و شعبه و شاخه شدن رشته‌ها، مع هذا با کمال تأسف، هنوز از برخی جمع و تفریق شدن دروس و یا ضرب و تقسیم کردن آنها زیاد فراتر نرفته‌ایم. حداکثر چندین دروس جدید و گاه دستی در برنامه‌های آموزشی وارد شده است که در جای خود بسیار مفید و مثبت می‌باشند؛ ولی تا این حد و تا این زمان کار ساز نبوده‌اند و به‌ویژه این که به جای بررسی کلیت نیازها و قابلیت‌های علمی سیاسی کشور با مبانی علمی معین و بعد تبدیل آن به رشته‌ها و تجزیه، تحلیل و ترکیب آن به صورت دروس و ترسیم و تنظیم آنها، در برنامه‌ها، غالباً به ارایه عناوین و دروس پراکنده و گنجانیدن آنها آن هم گاه با فشار و به صورت مونثاز و ناهم جوش در یک طرح و برنامه، ناهمگون، ناهمگن، ناهماهنگ و غیر کار آمد و غیر روز آمد، اکتفا کرده‌ایم.

تحولی راکه بعد از انقلاب فرهنگی در محتوای آموزش رشته علوم سیاسی رخ داد،

چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دکتر صدرا: حاصل تحول رشته علوم سیاسی و برآیند آن، همان وضعیت پیش گفته و کاملاً ناهنجار علم و رشته سیاسی است که عمده وقت و عمر و استعداد جوانان و دانشجویان را نیز ضایع می‌کند. و به جای تبدیل دیلمه‌ها به کارشناسان (برجسته) علوم سیاسی، حداکثر مقداری به اطلاعات و محفوظات سیاسی آنان اضافه می‌کند و چه بسا اگر آنها را سر درگم نکند، کار آیی سیاسی متناسب چندی در آنها ایجاد نمی‌نماید.

حال این که، این رشته هم از جهت علمی و هم از حیث آموزشی، نیاز به تحولی کیفی در جهت کار آیی کار آمدی و روز آمدی دانشجویان و نیز دانش پژوهان این رشته و آموزش‌ها - پژوهش‌های آن دارد از آن برتر، نیاز به تحولی بنیادین و جوهری در جهت بومی / زاینده‌گی / کاربردی بودن این رشته علمی و آموزش‌های مربوطه به‌ویژه بر اساس

سنت غنی دیرپای و فراگستر دانش سیاسی اسلامی / ایرانی دارد؛ به ویژه در عصر حاضر که جهان به یک اعتبار به سرعت و به شدت به سوی بحران و بست معنا و معنویت فرو می‌رود. و نیاز به نقادی و نظریه پردازی نوین و راه گشا دارد.

برای گسترش آموزش و پرورش در زمینه سیاست و حکومت ایران و جذب دانش

آموختگان علم سیاست به این حوزه چه می‌توان کرد؟

دکتر صدرا: علاوه بر اهم موارد پیش گفته:

یکم، اطلاع رسانی صحیح و تشویق و زمینه سازی؛

دوم، ایجاد اعتماد و اطمینان در این زمینه؛

سوم، تقویت دروس دوره‌ها و برنامه‌های مربوطه؛

چهارم، ایجاد ارتباط و زمینه‌های پژوهشی و حتی تأسیس پژوهشگاه‌های مربوطه؛

پنجم - اعتماد سازی، اطلاع رسانی و ارتباطات و تبادلات متقابل نیروها، نهادها و

مراکز آموزشی / پژوهشی و اطلاع رسانی و مشاوره علمی سیاسی و عملی و اجرایی

سیاسی و سیاست گذاری و فرهنگی / اجتماعی مربوطه از جمله رسانه‌ها؛

ششم - تعریف، تعیین و تبیین دروس، دوره‌ها و برنامه‌های جدید، مورد نیاز، مورد

نظر و به عبارت دیگر، روز آمدی و کار آمدی دروس، دوره‌ها و برنامه‌های جدید در

این رشته به تناسب شرایط، نیازها و خواست‌ها در کشور و در سطح ملی و عمومی و حتی

تخصصی و بخشی و منطقه‌ای.

لطفاً نظراتان را درباره وضعیت کنونی پایان نامه‌های علوم سیاسی بیان بفرمایید؟

دکتر صدرا: اغلب پایان نامه‌ها نیز بسان غالب پژوهش‌های علوم سیاسی در کشور، از

یک سری عناوین کلی و کتابخانه‌ای فراتر نمی‌روند.

موضوعاتی که چه بسا اگر هم تکراری نباشد، راه گشای هیچ مشکلی از کشور

نمی‌باشند. این، در حالی است که؛

اولاً، دانشجویان و دانش پژوهان این رشته از استعداد بسیار قابل قبول و گاه بالایی

برخوردار هستند؛

ثانیاً، هم وقت و هم انرژی و هم هزینه هر چند حداقل؛ ولی کافی گذاشته و صرف

می‌شود.

به ویژه عدم آگاهی نسبت به موضوعات و عناوین مورد نیاز، عدم دسترسی به منابع تحقیق و عدم ارتباط و هماهنگی و همکاری لازم بین نیروها و نهادهای ذی ربط و پشتیبانی کننده و فقدان یا ضعف حمایت‌ها یا صندوق‌ها و سازمان‌های حامی یا خدماتی؛ اینها مهم‌ترین مسائلی هستند که در زمینه پایان نامه‌ها مطرح می‌باشد.

بنابراین:

۱- نیاز به تعیین و اعلام عناوین و موضوعات مورد نیاز و مورد نظر در زمینه‌های علمی / عملی سیاسی توسط نیروها و نهادهای مصرف کننده اعم از بنیادی، پایه و کاربردی و مطالعاتی و تحقیقاتی راهبردی، نظری و کاربردی است.

۲- نیاز به ارتباط، هماهنگی و همکاری روز افزون به ویژه با کمک نهادهای واسطه و رابط میان نهادها و نیروهای متقاضی تولید کننده دانش و آگاهی‌های سیاسی مصرف کننده می‌باشد.

۳- یکپارچه سازی و هماهنگی در ارائه خدمات پژوهشی از جمله در مورد جهت دهی رساله‌ها در زمینه منابع علمی و اطلاع رسانی، مشاوره‌های علمی و راهنمایی و کمک‌های مادی مالی و ابزاری.

باتشکر از حضرت عالی که در این گفت و گو شرکت نموده‌اید. اما جناب استاد! چنانچه جناب عالی نیز فرمودید، دانش سیاسی در ایران اسلامی، با توجه به مبانی دینی و با پذیرش اسلام، بازسازی و استوار گردیده است؛ براین اساس، هرگونه بررسی آن، بدون توجه به این پیشینه نارسا خواهد بود.

بنابراین اجازه بفرمایید تا در خصوص سنت و مکتب دانش سیاسی اسلامی / ایرانی برای شماره آینده فصلنامه خدمت حضرت عالی برسیم.

دکتر صدرا: بسیار خوب، مانعی ندارد.

فرم اشتراک

نام:	نام خانوادگی:	نام پدر:	متولد:	شغل:
میزان تحصیلات:	مجله درخواستی:	از شماره:	تعداد نسخه درخواستی:	
شماره فیش بانکی:	به مبلغ:	ریال:		
نشانی: استان:	شهرستان:	خیابان:	پلاک:	
کد پستی:	تلفن:	تاریخ:	امضا:	
محل گواهی برای استفاده از تخفیف:				

هزینه اشتراک در سال ۱۳۷۹: ۱۶۰۰ تومان.

هزینه اشتراک با تخفیف برای طلاب، اساتید و دانشجویان در سال ۱۳۷۹: ۱۳۵۰ تومان.

شماره حساب: جاری ۲۷۷۰ بانک صادرات شعبه ۱۲۳۹، میدان شهدای قم به نام توزیع نشریات دفتر تبلیغات اسلامی.

یادآوری: ۱. از ارسال وجه نقد خودداری فرمایید.

۲. برای ارسال وجوه خود تنها از شعبه های بانک صادرات استفاده کنید.

۳. لطفاً در صورت تغییر نشانی خود، مراتب را بی درنگ به ما اطلاع دهید.

۴. جهت استفاده از تخفیف ارائه گواهی ضروری است.

۵. در صورت افزایش بهای مجله، هزینه اشتراک افزوده می شود.

نشانی: قم، ص پ ۵۸۵ - ۳۷۱۸۵، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی،

تلفن ۷۳۹۲۰۰، نمابر ۷۴۲۱۵۴.

